

الباب الاول من الواحد السابع في تجديد الكتب اذا انقضی...

حضرت باب

اصلي فارسی



الباب الاول من الواحد السابع في تجديد الكتب اذا انقضی علیها اثني و ماتين حولا و نحو ما كتب من قبل او انفاقه الى احد.

ملخص این باب آنکه در هر ظهور خداوند دوست میدارد که کلهشیء جدید شود از این جهت امر فرموده که در هر دوست و دو سال یک دفعه هر نفسی ما یملک خود را از کتب مجدد کند باینکه در ماء عذب ریزد یا آنکه بنفسی عطا کند لعل عین عبدی بر حرفی نیفتد که کره از نظر باون داشته باشد لعل در یوم قیامت شجره حقیقت ظاهر حرفی را نبیند بر صورت غیر محبوب لعل روح آنهم در ظل آن غیر محبوب واقع نگردد زیرا که هر حرفی که نوشته میشود هفتاد هزار ملک بر او موکلند و همچنین حین محو که حفظ میکنند او را

و اگر امروز نظر کنی در ارض می بینی که یک حرف از قرآن را چقدر از نفوس حافظ هستند که احصا نتوان نمود و هر حرفی که بر صورت محبوب نوشته شود ملائکه دوست میدارند که نظر بر او کنند بل در هر شیء چنین مشاهده کن و همچنین بر عکس و در بیان هیچ شیء را ظاهر مکن الا بر علو صنع و کمال لعل یوم قیامت نظر محبوب خود بر او افتد و دون حبی شاهد نگردد بر خلق خود که نظر کل ملائکه در ظل نظر او است و کم شیء میخواهد که در یوم قیامت لایق نظر شجره حقیقت گردد بل اگر شیء که فوق ارض مثل آن نباشد آن شیء است که لایق شده از برای آیه لیس کمله شیء و کل خواهند کرد بیانهای خود را مجدد ولی



ORIGINAL



AUDIO

مراقب بوده نزد ظهور شجره حقیقت از هر ارض که مشرق گردد که بآن در یوم ظهور مسترزق و متلذذ شوند که ما قبل ذریعه بوده از برای آنظهور و آیتی بوده از برای وصول بآن مقصود

و هیچ نفسی نیست که یک کلمه از کلمات بیان را نویسد با ایمان باو با حسن خط الا آنکه واجب میگردد از برای او آنچه محبوب او است عند الله و مراتب خطوط مراتب اسم واحد است اول خط ابهی و آخر اعلی و ما بینهما بدرجات ذکر و گویا مشاهده میشود در ظهور که صاحبان ادراک بهم میرسند که نوزده قلم را شیرین نویسند ولی کمال در یکی بهتر از اقتران است و استکمال در کل علو کمال است اگر مقرون گردد برضای محبوب ازل و مقصود لم یزل

و الا امروز دیده میشود که کتب ما لا نهاییه در اسلام باحسن خط نوشته شده ولی آثاری که مثبت حق و نافی دون میگردد که کل کتب قبل اگر در نزد یک حرف اول اون اقرار بایمان نکنند قبول نمیگردد از ایشان کینونیت ایشان و چگونه حسن کتابت آنها رسد و حال آنکه آن آثار مثل بئر معطل و قصر مشید مانده و جمال از نزد اهل افتده احسن از جمال مذکور باسم جمال است و هنوز شنیده نشده که کتاب قیوم اسماء بعدد نفس قیوم که عدد اسم یوسف - علیه السلام - است بر استحقاق خود نوشته شده باشد

و حال آنکه از بدء ظهور تا امروز چقدر کتبها نوشته شده که دون ایمان باو ثمر نمینخشد و در وقت ظهور "من یظهره الله" همین قسم کل محتجب خواهند بود الا من شاء الله کمال دقت نموده که بعد از ظهور نوشته نشود الا آثار آن شمس حقیقت که نوشتن یک حرف از آن اعظم تر است از نوشتن بیان و آنچه در ظل آن نوشته شده. نظر کن در مبدأ قرآن که اگر در یوم ظهور رسول الله کسی یک حرف آنرا مینوشت حکم ایمان بر او میشد اگر مؤمن باو بود ولی اگر کل انجیل و آنچه در دین عیسی - علیه السلام - انشاء شده در ظل انجیل ثمری نمی بخشید از برای او این است جوهر علم اگر توانی درک نمود و خواهی درک نمود

بصیر شو که محتجب نمائی که هیچ شیئی در آن ظهور محبوب تر از آن نیست که آثار او را باحسن خط نزد او حاضر کنی بلکه فرض شده بر کل که آنچه از آن مبدء جود مشرق میگردد کل مؤمنین بیان داشته باشند زیرا که او است بیان آروز و بر اعلی نهجی که در بیان متصور است هر که تواند تمام نموده و در نزد آن شمس حقیقت حاضر نمایند که کل مسئول عنه از این بوده هستند

چه خوب صنعتی است چاپ از برای ارتفاع کلمات او و تکثر آثار او اگر توانند در یوم ظهور نصرت کرد دین خدا را و اگر مثل امروز هستند که هر کس در بیت خود محتجب لا یکلف الله نفسا الا بعد ان یقدر و لتوکلن علی الله ثم یوم القیامة بآیات الله توقنون.

